خیریه

خیرات عملیاتی است که معمولاً به آنها کمک می کند و به آنها نیاز دارند. به لطف خیریه دوستانش ، او پول کافی برای پرداخت اجاره خانه را داشت.

تجارت

تجارت فعالیت خرید و فروش اشیا است.

مرکز خرید جدید باعث افزایش تجارت در آن بخش از شهر شد.

محکوم کردن

محکوم کردن کسی یعنی مجازات مشخصی برای او.

قاضی این جنایتکار را به پنج سال زندان محکوم کرد.

دنج

اگر چیزی دنج است ، راحت ، گرم و آرامش بخش است.

پتوی ضخیم تختخواب را بسیار دنج کرده است.

خالی کردن

تهی کردن مقداری از چیزی به معنای تمام کردن آن است.

تمام رانندگی که انجام می داد این بود که منبع سوخت ماشینش را کم می کرد.

اقتصاد

اقتصاد پول و مشاغل یک کشور یا منطقه است.

این کارخانه برای اقتصاد خوب بود زیرا کارهایی را در منطقه ایجاد می کرد.

امپراتوری

امپراتوری گروه بزرگی از کشورها است که توسط یک امپراتور یا یک امپراتور اداره می شود.

شاهنشاه جاده هایی را برای سهولت سفر در سراسر امپراطوری ساخت.

کالاها

کالاها هر چیزی است که بتوان خرید یا فروش کرد.

کفش ، کلاه ، لباس و کیف پول کالاهایی بود که او می خواست خریداری کند.

توجه

توجه به چیزی به معنای اطاعت یا پیروی از آن است.

باید به توصیه های مربوط به تابلو توجه کنید و خیلی سریع رانندگی نکنید.

مسافرت مفتی

اتومبیلرانی به معنای مسافرت با درخواست سواری از وسایل نقلیه عبوری است.

او اتومبیل نداشت ، بنابراین چندین مایل تا خانه برادرش با اتومبیل رانندگی کرد.

تمسخر

تمسخر کسی به معنای مزاحم کردن او به روشی بیرحمانه است.

دختران ، نانسی را به دلیل اینکه دانشجوی جدیدی بود ، مسخره کردند.

خنثی

اگر کسی بی طرف باشد ، به هیچ یک از دو طرف درگیر کمک نمی کند.

دوست دختر در حالی که زن و شوهر با هم مشاجره می کردند بی طرف ماند.

آزار و اذیت

آزار و اذیت یعنی بدرفتاری با کسی.

دن احساس آزار و اذیت کرد زیرا کوچکتر از پسرهای دیگر مدرسه بود.

ترحم

ترحم احساس اندوه و مهربانی برای کسانی است که رنج می برند.

از آنجا که او برای پسر گمشده دلسوزی می کرد ، به او کمک کرد پدر و مادرش را پیدا کند.

كاهش دادن

کاهش چیزی به معنای کم کردن اندازه و تعداد آن است.

وقتی این فروشگاه قیمت خود را كاهش داد ، مردم می خواستند در آنجا خرید كنند.

کاتب

کاتب شخصی بود که کارش کپی برداری از آثار مکتوب بود.

در مصر باستان ، کاتبان وقایع مهم را ثبت می کردند.

خوی

خلق و خوی حالات شخصی یا فرصتی است که ممکن است عصبانی شود.

او مزاج دارد. حتی کوچکترین اشتباهاتی او را عصبانی می کند.

تخت پادشاهی

تخت ، صندلی مخصوصی است که یک حاکم در آن نشسته است.

هیچ کس به جز پادشاه و ملکه در تختهای بزرگ سالن نشسته است.

وحدت

وحدت حالت افرادی است که برای یک هدف خاص با هم کار می کنند.

این پروژه به لطف اتحاد کارگران زودهنگام به پایان رسید.

پیروز

پیروز ، گروه یا شخصی است که در یک مسابقه برنده می شود.

در پایان بازی ، آبی پوشان پیروز میدان بودند.

هشدار نویسنده هشدار کاتب

یک امپراتوری بزرگ و قدرتمند برای ساخت کاخ ها و خانه هایی به امپراطور و دوستانش به چوب مناطق غربی خود احتیاج داشت. با این حال ، امپراتوری بسیاری از جنگل ها را تخلیه کرده بود. این درختان برای اقتصاد مناطق غربی مهم بودند. بدون داشتن درخت برای فروش ، تجارت در آن منطقه کاهش یافت. شهروندان دیگر نمی توانستند کالاهای مورد نیاز خود را برای زنده ماندن خریداری کنند. زندگی آنها سخت شد.

یک دبیر فقیر از منطقه می خواست کمک کند. او با دوچرخه سواری به پایتخت رفت و از امپراطور صدقه خواست. او را به قصر دعوت کردند. بزرگ و دنج بود. میزها مملو از غذا بود و آتش در هر شومینه به گرمی می سوخت.

امپراطور بر تخت خود نشست و كاتب در مقابل او ایستاد.

كاتب گفت: "من آمده ام تا كمك بخواهم." "همه ما بسیار فقیر و گرسنه هستیم. شما از تمام جنگل ها استفاده کرده اید و اکنون ما چیزی برای فروش نداریم. " سپس وی یک اخطار اضافه کرد. "اگر کمکی دریافت نکنیم ، می ترسم که کل امپراتوری آسیب ببیند. ما باید وحدت ایجاد کنیم. "

با شنیدن درخواست کاتب ، بدخلقی امپراطور ظاهر شد. او كاتب را مسخره كرد. گفت: "فکر می کنی من باید کمک کنم" ، و خندید. "شما فقط باید از عضویت در این امپراتوری بزرگ خوشحال باشید. از من چیزی نخواهی گرفت. "

امپراطور برای شهروندان منطقه غربی احساس ترحم نمی کرد. آنها به گرسنگی محکوم شدند. دبیر بدون هیچ چیز به خانه بازگشت.

چندی نگذشته بود که دشمن از غرب به امپراطوری حمله کرد. آنها در حال راهپیمایی به سمت پایتخت بودند. از آنجا که شهروندان مورد آزار و اذیت شاهنشاه قرار گرفتند ، بی طرف ماندند. آنها با مهاجمان نبردند اما به آنها اجازه دادند آزادانه به سمت پایتخت حرکت کنند.

امپراطور شکست خورد. اگر او به سخنان کاتب توجه می کرد ، شهروندان ممکن بود پیروز شوند. اما از آنجا که او با آنها رفتار بدی داشته است ، در مقابل آنها با او بد برخورد کردند.